



در این شماره می خوانید:

صورت جلسه ماه فوریه ۲۰۱۴

به بهانه هشتم مارس

نابرابری و تضاد بین زن و مرد، پایه‌ای از قدرت طبقات حاکم

کمرنگ بودن نقش زن ایرانی در تاریخ باستان

آشنائی با نویسندگان زن ایرانی در خارج از کشور

معرفی شخصیت‌ها: Casanova زن مبارز

ویژه نامه روز جهانی زن

روز جهانی زن را به کلیه زنان به ویژه همکاران گرانقدر و زحمتکش تبریک گفته و برایشان آرزوی موفقیت در تمام شئون زندگی بخصوص دستیابی به حقوق برحق اجتماعی را داریم.
هیئت مدیره و هیئت تحریریه انجمن تاکسیران

انجمن تاکسیران یک انجمن مستقل و دمکراتیک، صنفی و فرهنگی است
«ماهنامه انجمن»، زیر نظر هیئت مدیره انجمن تاکسیران

شده و امسال موسیقی زنده خواهیم داشت. بلیط جشن نوروزی بزودی در دسترس اعضا و همکاران قرار خواهد گرفت.

سپس جلسه با توضیحاتی از طرف سخنگوی هیئت مدیره در مورد دفتر پیشنهادات، لیست کتابهای حاضر در کتابخانه سیار انجمن، معرفی نمایشگاهها در ماه مارس در پاریس و شهرداریها، همراه بود.

قسمت آخر جلسه به بحث آزاد اختصاص داشت که در این قسمت حسابدار انجمن در مورد عدم تعهد اعضایی که وام دریافت کرده‌اند، گزارش داد که نشان‌دهنده عدم همکاری وام‌گیرندگان در بازپرداخت به موقع وام خویش بود که در باره این موضوع اعضای حاضر در جلسه نظرات خویش را بیان کردند که بیشتر نظرات موافق شدت عمل و برخورد قاطع با این افراد بود. البته تعدادی نیز توضیح دادند که در حال حاضر در شرایط بد اقتصادی و اوضاع کم‌کاری و پائین بودن درآمدها و بالا بودن شارژها و گرانی و هزینه‌های سرسام‌آور روزمره بسر می‌بریم و فشار به این اعضا (وام‌گیرندگان) تأثیر منفی دارد و باید با صبر و تحمل منتظر باشیم تا شرایط زندگی بهبود یابد!

در پایان جلسه، بحث اعتصابات روز ۱۳ ژانویه مطرح شد که باوجود اینکه تعدادی از سندیکاها در آن فعالانه شرکت کردند و تلاش زیادی برای این تظاهرات انجام گرفت ولی به نتیجه مثبتی نرسید و در نتیجه ادامه این تظاهرات به روز ۱۰ فوریه موکول شد که بطور مفصل گزارش کلیه تظاهرات ماه ژانویه و فوریه در شماره ۴۶ ماهنامه به نظرتان می‌رسد.

موفق و پیروز باشید.

هیئت تحریریه انجمن

XXXXXXXXXX

به بهانه هشتم مارس

بیش از یکصد سال از مبارزات زنان کارگر نساجی شهر نیویورک آمریکا در هشتم مارس ۱۹۰۸ می‌گذرد. هرچند زنان در طول تاریخ برای حقوق اجتماعی خودشان تلاش کرده‌اند و اگرچه به موفقیت‌های ارزشمندی نیز دست یافته‌اند، اما هنوز نابرابری‌های اجتماعی در همه جای این جهان حاکم است. خشونت و تجاوز در کشورهای آسیایی و آمریکای جنوبی، به ویژه خاورمیانه بیداد می‌کند

صورت جلسه ماه فوریه ۲۰۱۴

در ابتدای جلسه ماه فوریه، سخنگوی هیئت مدیره پس از خوش‌آمدگویی و تشکر از حضور فعال اعضای انجمن در جلسات عمومی انجمن، خواستار شرکت هرچه بیشتر اعضای انجمن در گردهمایی‌های ماهانه شد و خاطرنشان کرد که این انسجام اعضا نه تنها به رشد و پویایی انجمن می‌افزاید بلکه در اثر اطلاعات و مسائلی که در این جلسات مطرح و بررسی می‌شود باعث پیشرفت در کار حرفه‌ای ما نیز می‌گردد. سپس مسئول انجمن متذکر شد که مسائل و مشکلاتی که در حرفه تاکسی اخیراً به وسیله رقیب ما یعنی VTC بوجود آمده و همچنین شروع فصل کم‌کاری و غیره، همگی به طور محسوسی در پائین آمدن درآمد تاکسی‌ها و سختی کار و طولانی شدن مدت کار تأثیر به سزایی گذاشته است، لذا همکاران عزیز با پشت‌کار و صبر و شکیبایی باید منتظر اقدامات آینده مسئولان دولتی و بخصوص عکس‌العمل و مذاکرات سندیکاها در این رابطه باشند.

در ادامه جلسه در مورد مراسم ویژه روز زن، مسئول انجمن توضیحاتی داد و متذکر شد که این مراسم در سالنی به غیر از محل همیشگی جلسه برگزار خواهد شد. البته تغییر مکان محل جلسه به علت تعداد شرکت‌کننده در مراسم ویژه روز جهانی زن می‌باشد که بیش از حد معمول خواهد بود و محل همیشگی گنجایش کافی در این مورد را ندارد. همچنین مسئول انجمن خاطرنشان کرد که این برنامه شامل سخنرانی، شعرخوانی، نمایش فیلم و همراه با موسیقی و پذیرایی از کلیه شرکت‌کنندگان می‌باشد.

مسئول انجمن در مرحله بعدی جلسه در مورد جشن نوروز و انتخاب سالن جشن توضیح داد که تداخل انتخابات شهرداریها در فرانسه در ماه مارس با جشن نوروز باعث شد که نتوانیم سالن دلخواه را پیدا کنیم و سالن‌های خصوصی نیز بسیار گران و خارج از حد توان بودجه انجمن بود، در نتیجه همان سالن سال گذشته را انتخاب کردیم، با این تفاوت که مدیر سالن کلیه دکوراسیون داخلی سالن را نوسازی کرده و سالنی بسیار شیک و زیبا، همراه با دو پارکینگ و مأموران حفاظت خواهیم داشت و در مورد غذا و غیره برنامه‌ریزی لازم انجام

پرطمطراق، نابرابری میان زن و مرد را طبیعی جلوه می‌دهد تا منافع خود را در درازمدت حفظ کند؛ در حالیکه هر کجای جهان که زنان در مسند کاری قرار گرفتند، به ویژه در حیطة مدیریت، نشان دادند که به نحو مطلوبی از پس آن کار به خوبی برآمده‌اند. بد نیست اشاره‌ای به تعیین جنسیت بیولوژیکی از منظر پزشکی بکنیم تا دریابیم که نظرپردازی و فرهنگ کهنه نظام حاکم نخ نما شده است. طبق پیشرفت‌های پزشکی در شاخه «رشد و تکامل جنین»، تحقیقات نشان می‌دهد که وقتی تخمک بارور می‌شود تا پنج هفته اول، عناصر مهمی همچون قلب، مغز، نخاع، دستگاه‌های عصبی و گوارشی شکل می‌گیرد و از هفته هفتم به بعد است که مرحله شکل یافتن دستگاه‌های حساس جنسی آغاز می‌شود. در نتیجه به همین دلیل ساده که بر پیشرفت و توسعه علم پزشکی تکیه دارد، می‌توان ادعا کرد که زنان و مردان پیش از آنکه با جنسیت شناسایی شوند، «انسان» هستند و این ترکیب انسانی بنا به منافع جوامع و مذاهب، دستخوش شرایطی شده است که نابرابری را تا عمق فرهنگ رفتاری نیز تغییر داده است. تقسیم انسان‌ها به زن و مرد، دنیای وارونه امروز است و برون رفت از این «شرایط سراسر خشن» نیاز به کنش آگاهانه زنان و مردانی دارد که به ریشه‌های واقعی این نابرابری پی برده‌اند و این پروسه بدون حضور زنان آگاه میسر نخواهد گشت.

با صدای بلند باید گفت که پس از گذشت بیش از صد سال، خواست‌ها و مطالبات ابتدایی حقوق زنان برآورده نشده است و هشتم مارس ۲۰۱۴ را بهانه می‌کنیم تا همه ما به عنوان «انسان» از حقوق زنان در همه عرصه‌ها پشتیبانی کنیم.

محسن بهرامی

XXXXXXXXXX

نابرابری و تضاد بین زن و مرد، پایه‌ای از قدرت طبقات حاکم

مسأله آزادی زنان و خواست برابری حقوق زنان و مردان بطور جدی با انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ آغاز شد. در این دوره، زنان و مردان، پا به پای یکدیگر در انقلاب شرکت کرده و به موازات آن، خواهان دستیابی به حقوقی شدند که به نام «اعلامیه حقوق بشر و شهروندی» به رسمیت

و روزی نیست که تیر رسانه‌های گروهی را سیاه نکند؛ با اینکه در اروپا و آمریکا و کانادا، مقوله خشونت و تجاوز بر زنان بسیار کمرنگ‌تر به نظر می‌رسد، ولی طبق مستندات رسمی اعلام شده، خشونت بر زنان در همه جای جهان وجود دارد و فقط شکل آن متفاوت است. به طور متوسط در جهان، حقوق زنان ۳۰ درصد کمتر از مردان نسبت به کار مشابه است. موقعیت اجتماعی زنان در بازار کار، قابل مقایسه با مردان نیست، دستیابی به بعضی شغل‌ها توسط زنان، هنوز با موانع جدی روبرو می‌شود و صدها مثال دیگر که نشان از نابرابری، تبعیض و به طور کلی ستم بر زن است.

بدون شک جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان بسیاری، به موارد و عناصر تبعیض و نابرابری زنان و مردان به طور مفصل پرداخته‌اند و در این نوشته کوتاه، قصد تکرار آنها که بر کسی پوشیده نیست را ندارم؛ در نتیجه با نگاهی به ریشه‌های ستم بر زن درمی‌یابیم که همواره نظام حاکم، نسبت به نیازهای کلان خود توسط حاکمیت‌های سیاسی، مجریان و توجیه‌کنندگان نظم نابرابر موجود بوده و هستند. در نتیجه میزان موفقیت زنان، نسبت به حضور فعال خودشان در همه عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی است. جا دارد که به حضور دو نفر از همکاران زن در هیئت مدیره انجمن تاکسی خودمان تبریک گفته و تلاش و مسئولیت‌پذیری آنها را ارج نهیم. به همین بهانه و همچنین گرامیداشت روز جهانی زن، باید گفت مقوله زن به نیمی از انسان‌ها در جهان مربوط است و محدود کردن آن به یک روز سمبلیک، خود می‌تواند نوعی نابرابری را ترویج کند؛ چرا که هر لحظه و هر روز، زنان در جهان با زندگی سراسر دشوار و نابرابر دست و پنجه نرم می‌کنند. زنان شالیکار، زنان کارگر در کارخانه، پرستاران زن و هزاران شغل دیگر که به جز سختی و دشواری کار، باید افزود که به خاطر زن بودنشان از ناامنی و بی‌ثباتی شغل نیز رنج می‌برند. باید خیل عظیم زنان بیکار در جستجوی کار را نیز مد نظر داشت تا به عمق این ناهمگونی‌ها و آسیب‌های اجتماعی پی برد.

نظام و سیستم جهانی برای توجیه این نابرابری‌ها، گاهی به ناتوانایی زنان اشاره می‌کند و عامل آن را در آفرینش می‌داند و با فلسفه‌بافی

پست‌های مهمی در وزارت‌خانه‌های فرانسه دست یافتند. یکی از این سه زن، Irène Joliot Curie برنده جایزه نوبل شیمی در سال ۱۹۳۵ است.

به عبارت دیگر همان طور که تحقیقات علمی در باره مناسبات جنسیتی نشان می‌دهد، نابرابری جنسیتی در جامعه، محصول خصلت بیولوژیک نیست بلکه از اشکال تاریخی - اجتماعی ناشی می‌شود.

بعد از جنگ جهانی دوم و در نیمه دوم قرن بیستم، جنبش زنان رشد و سرعت بیشتری به خود گرفت و آگاهی همگانی در سطح جامعه نسبت به نابرابری جنسیتی زنان بیشتر شده و مبارزات و سازماندهی حول خواسته‌های برابری طلبانه زنان گسترده‌تر و هدفمندتر شد.

مطالبات زنان در این دوران عبارتند از: حق جلوگیری از بارداری، حق سقط جنین و مبارزه با خشونت جنسی و تجاوز جنسی. «سیمون دو بووار» از چهره‌های معروف این دوران است. وی در آثار خود به خصوص کتاب «جنس دوم» به تحلیل موقعیت زن می‌پردازد و زن را در ابعاد دیگری بررسی می‌کند.

بتدریج جنبش زنان متشکل‌تر شده و به جنبش انقلابی ماه مه ۱۹۶۸ در فرانسه انجامید که نقطه عطف دیگری در تاریخ مبارزات زنان در دنیا است. مسأله‌ی کار زنان در خانه (پخت و پز، بزرگ کردن کودک، تعلیم و تربیت کودکان، بهداشت خانواده، تنظیم اوضاع مالی خانواده، حل بحران‌های خانوادگی، تنظیم روابط درون خانواده و صدها خرد و ریز دیگر) خصلت کالایی ندارد و در تولید مستقیم کالایی ظاهراً نقشی ندارد و با بخش «سرویس مجانی» ارتباط دارد. با این وجود کار شبانه‌روزی و بدون دستمزد زنان یکی از داده‌های مهم در تنظیم سیاست‌های اقتصادی می‌باشد.

واقعیت این است که در شیوه تولیدی سیستم اقتصادی فعلی، زنان به بازار کار کشیده شده‌اند ولی در حقیقت آنها دو شغل دارند: کار در خانه و کار در بیرون از خانه. مدرنیزاسیون و پیشرفت‌های عظیم تکنولوژی و صنعتی این نظام اقتصادی نه تنها سلطه مردسالاری را تخفیف نداده بلکه آن را تشدید نیز کرده است.

امروز، ریشه‌دار بودن خشونت علیه زنان و نقش

شناخته شد. یکی از چهره‌های معروف این انقلاب «کلر لاکمب» (Claire Lacombe) است که در تسخیر کاخ ورسای و فتح زندان باستیل نیز نقش بسزائی داشت.

در سال ۱۷۹۱، «المپ دو گوژ» (Olympe de Gouges) یکی دیگر از شخصیت‌های برجسته انقلاب کبیر، بیانیه «حقوق زنان و شهروندان زن» را منتشر کرد و خواهان حرکت مستقل زنان و برابری حقوق مدنی و سیاسی زنان شد. المپ دو گوژ فریاد می‌کشید: «اگر می‌توان زنان را بالای سکوی اعدام برد، پس حق رفتن بر سکوی سخنرانی را هم باید داشته باشند». او از حق طلاق، حق برابری با مردان در آموزش و پرورش، حق کار، حق مالکیت و حق رأی دفاع می‌کرد. تنها حق طلاق، از انقلاب کبیر فرانسه نصیب زنان شد. المپ دو گوژ عاقبت به خاطر دفاعیات حق طلبانه و انسانی‌اش از آزادی، به گیوتین سپرده شد.

در جریان انقلاب‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸، خواسته‌ها و مطالبات زنان اعتلای بیشتری یافت و نشریات ویژه زنان منتشر شد. «فلورا تریستان» (Flora Tristan) از چهره‌های معروف این دوره است. تصویر تخیلی Marianne به عنوان سمبل آزادی در تابلوی نقاش معروف فرانسوی Eugène Delacroix حاکی از حضور زنان در انقلاب ۱۸۳۰ فرانسه است.

در سال ۱۸۷۱ «لوئیز میشل» (Louise Michel) از چهره‌های درخشان کمون پاریس می‌گفت: «به رسمیت شناختن برابری بین زن و مرد، شکافی است در نابکاری‌های انسانی».

به موازات مبارزات زنان اروپائی، زنان کارگر نساجی و پارچه‌بافی در شهر نیویورک امریکا، روز هشت مارس ۱۸۵۶ دست به اعتصاب و اعتراضات عظیمی زدند و به موفقیت‌هایی دست یافتند که نقطه عطفی در تاریخ مبارزات زنان است. در ماه اوت ۱۹۱۰ «کلارا زتکین» زن مبارز آلمانی، انتخاب یک روز را به عنوان «روز جهانی زن» پیشنهاد کرد و در سال ۱۹۱۳ «روز هشت مارس» به عنوان «روز جهانی زن» به یاد خاطره‌ی مبارزات زنان در سال ۱۸۵۶ تعیین گردید.

در طی سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۸ در دولت «جبهه خلق» (Front Populaire)، سه زن به

کشورهای غربی هم از حقوق سیاسی و اجتماعی برابر با مردان برخوردار نبوده‌اند. عدم تساوی بین زن و مرد نه تنها در مقام سیاسی و اجتماعی بلکه در امور اقتصادی و ارزش نیروی کار نیز مشاهده می‌شود و به طور نمونه در غرب ارزش کار زنان در بسیاری از مواقع با حقوق و دستمزدی که به آنان داده می‌شود با مردان برابر نیست.

اگر به ایران و نقش زن ایرانی در تاریخ کشورمان مراجعه کنیم مشاهده خواهیم کرد که رسم مردسالاری از همان ابتدا در خاک ایران رواج داشته و رسم حرم و حرمسرا و داشتن زنان متعدد از قرون پنجم در ایران جاری بوده است.

کوروش سرسلسله خاندان هخامنشی و معروف‌ترین پادشاه ایران باستان حرمسرای عریض و طویلی داشت و جانشینان وی نیز هیچ‌کدام به یک زن و دو زن و ده زن قناعت نکردند. در نقش زن ایرانی در ایران باستان، قبل از همه به نام دو دختر کوروش، «آتوسا» و «رکسانا» برمی‌خوریم، که پسر بزرگ و جانشین کوروش کمبوجیه هر دو آنها را به زنی می‌گیرد و آنان را در رأس زنان حرمسرای پدر، که از او به ارث برده بود قرار می‌دهد. براساس منابع تاریخی تا زمان ازدواج کمبوجیه با دو خواهرش، رسم ازدواج با خواهر نزد پارسیان معمول نبود. ولی وقتی کمبوجیه دست به چنین کاری زد بزرگان قوم و اطرافیان شاه ناچار بر آن مهر تأیید نهادند و این رسم از آن پس معمول شد.

آتوسا و رکسانا خواهران کمبوجیه که همسران او نیز بودند در اوایل سلطنت وی در امور کشور و عزل و نصب مقامات و فرماندهان سپاه نقش مؤثری ایفا می‌کردند ولی بعد با کمبوجیه سر ناسازگاری گذاشتند و رکسانا به دست کمبوجیه به قتل رسید. بعد از مرگ کمبوجیه جانشین او، داریوش نیز حرمسرای پادشاه متوفی را به ارث برد و از جمله آتوسا دختر کورش را به زنی گرفت.

در دوران هخامنشی اردشیر دوم که نزدیک نیم قرن بر ایران سلطنت کرد در حرمسرای خود بیش از چهار صد زن داشت و در اواخر عمر دو دختر خودش به نام‌های آتوسا و آمستریس را نیز به جمع حرمسرای خود افزود.

پس از هخامنشیان در زمان اشکانیان نیز ازدواج

سلطه‌گرایانه نظام اقتصادی حاکم در بازتولید خشونت و تثبیت فرودستی آنان در جامعه، زنان را بیش از پیش به میدان مبارزه کشیده است.

از المپ دو گوز تا به امروز، مبارزات زنان، بی‌امان ادامه دارد. تحقق بخشی از خواسته‌های زنان در غرب، دو قرن بدرازا کشیده است ولی همین خواسته‌های محدود هنوز بخشی از مطالبات بسیاری از زنان در کشورهای دیگر است.

مبارزه برای رفع تبعیض جنسیتی، مبارزه برای برابری بین زن و مرد، امری مربوط به تمام کسانی است که می‌خواهند در این راه تلاش کنند. بخاطر داشته باشیم که هیچ چیز از حقوق زنان شکننده‌تر و متزلزل‌تر نیست و تدارک و تهاجم برای بازپس‌گیری همین حقوق حداقل، از طرف نیروهای واپسگرا در بسیاری از کشورها، در کمین آنهاست.

این امری بدیهی است که زنان نیروی اصلی این مبارزه هستند، اما مردان آگاه هم می‌توانند همگام با زنان با اشکال مختلف خشونت علیه زنان و تبعیض جنسیتی مبارزه کنند. این مبارزه از خانه آغاز می‌شود.

زهره - مارس ۲۰۱۴

XXXXXXXXXX

کمرنگ بودن نقش زن ایرانی در تاریخ باستان

کمبود منابع در باره زن ایرانی در گذشته و نقش زنان در مسیر تاریخ ایران گواه بر این واقعیت است که زن ایرانی نقش مؤثری در تحولات سیاسی و اجتماعی گذشته ایران نداشته و تعداد زنانی هم که نقشی در تاریخ گذشته ایران ایفا کرده‌اند، انگشت‌شمار و بیشتر در سایه شوهر، یا در یک دوران کوتاه‌مدت بر اثر وراثت و تصاحب تاج و تخت بوده است. در این مورد باید افزود که نه فقط زنان ایرانی، بلکه زنان سایر نقاط جهان هم پیش از قرن بیستم که به قرن آزادی زنان شهرت یافته است، در طول تاریخ همواره نقش درجه دومی را ایفا نموده‌اند.

موقعیت اجتماعی و شرایط زندگی زن در ایران و سایر کشورهای جهان نیز کم و بیش مشابه هم بوده است. جوامع بشری چه در شرق و چه در غرب تا اواخر قرن نوزدهم جامعه مردسالاری بوده و حتی تا نیمه قرن بیستم، زنان در بسیاری از

امور کشور را که بعد از مرگ پدرش به هم ریخته بود برقرار کند. با بخشودن خراج و بدهی‌های مالیاتی مردم و پرهیز از جنگ و تلاش در برقراری صلح با رومیان، از فشاری که بر طبقات فقیر وارد می‌آمد بکاهد. ولی موبدان و ثروتمندان و جمعی از سرداران سپاه این کارها بر وفق مرادشان نبود و حاضر به همکاری و حمایت از او نشدند و در نتیجه پوران دخت در اواسط دومین سال سلطنتش مجبور به استعفا شد و به روایتی به هلاکت رسید.

لازم به یادآوری است که فردوسی نیز مانند دشمنان پوران دخت نظر مساعدی به حکومت زنان نداشته است. این بخش از شعر فردوسی گواه این مسئله است:

چو تاج کیانی به پوران رسید
شکوهی در آن خاندان کس ندید
به یاد آور این قول سنجیده را
بخوان قول مرد جهان‌دیده را
شکوهی نم‌اند در آن خاندان
که بانگ خروش آید از ماکیان
یکی دختری بود پوران به نام
چو زن شاه شد کارها گشت خام
که از تخم ساسان همان مانده بود
بسی دفتر خسروان خوانده بود
بر آن تخت شاهیش بنشاندند
بزرگان بر او گوهر افشاندند
چنین گفت پس دخت پوران، که من
نخواهم پراکندن انجمن
کسی را که درویش باشد ز گنج
توانگر کنم، تا نماید به رنج
مبادا به گیتی کسی مستمند
که از داد او بر من آید گزند
ز کشور کنم دور بدخواه را
بر آئین شاهان کنم راه را

این اشاره مختصری بود به تاریخچه زن در ایران باستان. نمونه کوچکی بود از مشکلات و سختی‌هایی که زنان کشورمان برای دستیابی به حداقل‌ترین حقوق انسانی با آن مواجه بوده و هستند و هنوز راه دراز سخت و طولانی برای رسیدن به حق برابر با مردان در پیش دارند. امیدواریم که ما به همراه زنان در این راه سخت و طاقت‌فرسا همواره در کنار زنان قرار گرفته تا آنها

با افراد خانواده درجه اول مرسوم بوده و یک مورد شگفت‌آور آن ازدواج فرهاد پنجم با مادرش می‌باشد.

در دوران سلطه ساسانیان بر ایران نقش زن ایرانی در طی این چهار قرن بیشتر تأمین خواست‌ها و هوس‌ها و عیش و عشرت شاهان و بزرگان و موبدان زرتشتی بود.

در دوران ساسانیان نخستین زن ایرانی که به مقام سلطنت رسید پوران دخت یا بوراندخت به معنی دختری با چهره گلگون. بعد از او خواهرش آذر میدخت که اولی یک سال و چهار ماه و دومی کمتر از چهار ماه بر ایران سلطنت کردند. دلیل به سلطنت رسیدن این دو زن که دختران خسرو پرویز پادشاه زنباره و هوس‌باز و عشرت‌طلب ساسانی، بدین صورت بود که خسرو پرویز در اواخر عمر تحت تأثیر تلقینات همسرش شیرین می‌خواست پسری را که از او داشت به جای پسر بزرگش قباد به ولیعهدی انتخاب کند ولی قباد پیش از اینکه پدرش این تصمیم را عملی سازد بر پدر شورید و او را به قتل رسانید. قباد که به عنوان «شیروید» بر تخت نشست تمام برادر و برادرزادگان و سایر مدعیان سلطنت را به قتل رسانید. به همین جهت بعد از مرگ او عده‌ای از نجبا و بزرگان و سرداران ساسانی برای تصاحب تاج و تخت به رقابت پرداختند که دوام سلطنت آنها از یک ماه تا ۱۶ ماه بود. از این یازده پادشاه دو تن دختران خسرو پرویز بودند.

در تاریخ طبری قید شده که چون پوران دخت به پادشاهی نشست بساط عدل و داد بگسترده و ستم برگرفت. سفرواح نامی را به وزیری برگزید و نامه نوشت به همه سپاهیان که این پادشاهی نه به مردی توان داشتن، بلکه به عنایت پروردگار و به عدل و سیاست پادشاه نگاه توان داشتن و سپاه نتوان داشتن مگر به داد و عدل و انصاف، و چون پادشاه دادگر بود ملک بتواند نگاه داشتن و فرمان داد که هر چه در ولایت بر مردم از روزگار خسرو پرویز خراج بمانده بود همه را ببخشند و عدل بگسترانید چنان که در هیچ روزگاری ندیده بودند.

پوران دخت در دوران کوتاه سلطنت خود با مشورت و راهنمایی وزیر دانشمندش کوشید انتظام

تن کامه گی به عریانی تصویر شده است».

برای مهرنوش مزارعی داستان نویس ساکن آمریکا، «مهاجرت رهایی از باورهای عمومی (عرفی و سنتی) و سانسور تحت تأثیر بی چون و چرای خود را بر آثار زنان داستان نویس خارج از کشور گذاشته است». وی تأکید بر جزئیات، بیان خشم، ساده نویسی و طرح تجربیات روزمره زنانه را، از ویژگی های داستان نویسی می داند و اضافه می کند که توجه به بدن، طرح احساسات درونی چون توصیف تمنا، توصیف بدن سرد، محدودیت های جنسی، رابطه آزاد جنسی، عشق، خیانت و تأثیر آن بر روابط زناشویی از جمله نکاتی است که در آثار داستان نویسان زن در خارج از کشور به دور از سانسور دولتی و فشارهای عرفی مطرح می شود». همچنین تأکید می کند که آشنا شدن این نویسندگان با فرهنگ کشور میزبان منجر به افزوده شدن تجربیات تازه ای به فضای ادبیات ایران شده است.

خانم مزارعی به نکته دیگری اشاره می کند: «برخلاف فضای حاکم بر داستان های مردان، موضوعاتی مانند حسرت بازگشت به ایران، هراس از دست دادن هویت ملی و تنهایی در داستان های زنان کمتر وجود دارد شاید به این دلیل که زن ایرانی در فرهنگ جامعه میزبان که کشور مدافع حقوق و به رسمیت شناختن هویت او است احساس نزدیکی و امنیت بیشتری می کند».

و اما برای شهلا شفیق جامعه شناس، پژوهشگر مسائل زنان و داستان نویس ساکن فرانسه، اتفاقی که در داستان نویسی خارج از کشور افتاده نمی توان جدا از پیشینه تاریخی آن بررسی کرد: «آنچه به دوره بعد از انقلاب ویژگی می دهد کثرت داستان نویسی زن از نیمه دهه هفتاد به بعد است». او می افزاید که: «آشنائی و درگیری با جامعه غرب و پرسش های جدیدی که به سبب آن در ذهن زنان ایرانی ایجاد شده، طبعاً دریچه هایی به تحول فرهنگی گشوده که نتیجه آن از جمله نوعی جست و جوی خود، توجه به نیازهای جنسی و توانایی های زنانه است».

برای فهیمه فرسائی، روزنامه نگار و داستان نویس ساکن آلمان، احساس تنهایی به معنی واقعی و نه فقط حقیقی و فلسفی در آثار داستان نویسان زن در

هرچه زودتر به حقوق انسانی و برابری با مردان دسترسی پیدا کنند. تا زمانی که زنان آزاد نباشند بشریت آزاد نخواهد بود.
موفق و پیروز باشید

داود

XXXXXXXXXX

آشنائی با نویسندگان زن ایرانی در خارج از کشور و ویژگی آثار آنها

بیش از پنجاه نویسنده زن ایرانی در خارج از کشور تاکنون آفرینش های ادبی خود را به صورت داستان کوتاه، داستان بلند و یا رمان در آمریکا و اروپا منتشر کرده اند. این زنان نویسنده به ترتیب بیشتر در آمریکا، فرانسه، آلمان، سوئد، کانادا، انگلیس و هلند زندگی می کنند.

نویسندگان زن ایرانی در خارج از کشور را شاید بتوان در سه گروه جای داد:
- داستان نویسانی که پیش از انقلاب فعالیت ادبی خود را آغاز کرده اند.

- نویسندگانی که در خارج از کشور شروع به داستان نویسی کرده اند.

- نویسندگانی که ایرانی هستند ولی به زبان کشور میزبان قلم می زنند.

داستان های غربت: ملیحه تیره گل منتقد ادبی، پژوهشگر و نویسنده کتاب «مقدمه ای بر ادبیات تبعید» در نگاه کلی به آثار این نویسندگان می گوید: زن نویسنده مهاجر، در دو زمینه از مردان نویسنده پیشی گرفته است: شکستن تابوهای فرهنگی یا دست کم رویارویی بدون خودفریبی با آنها، که در آثار زنان از سطح کلام فراتر رفته و به معنا رسیده است. دیگر توفیق نسبی در شناسایی خود، یعنی در دستیابی به استقلال درونی که محصول زمینه اول است.

پیمان وهاب زاده منتقد و پژوهشگر ادبی معتقد است که ویژگی برجسته آثار بسیاری از زنان مهاجر، همانا برخورد با مسئله جنسیتی و حقوق نابرابر با مردان و نیز کشف مغرورانه هویت مستقل زنانه است.

بهروز شیدا بر این باور است که در آثار داستان نویسان زن، اندوهی که تبدیل به خشم شده حاکم است. وی در این زمینه گفته است: «در ادبیات زنانه خارج از کشور، میل به تجدد و

شوهر آینده‌اش آشنا شد که آن موقع او منشی Maurice Thorez (دبیر کل حزب کمونیست بین سال‌های ۶۴-۱۹۳۰) بود.

در طول سال‌های ۱۹۳۶-۱۹۳۹، دانیل کازانو مسئول «اتحادیه جوانان دختران» است که جنبش طرفدار صلح و ضدفاشیستی بود. در سال ۱۹۳۹، با اشغال فرانسه بوسیله آلمان نازی وقتی حزب کمونیست قدغن اعلام شد، دانیل کازانو فعالیت‌های مخفی‌اش را در کنار گروه مقاومت (Résistance) ادامه می‌دهد. انتشار و پخش تراکت بر علیه آلمان نازی، ایجاد کمیته زنان کمونیست منطقه پاریس و حومه، سازماندهی تظاهرات بر علیه اشغال کشور و غیره موجب شد که تحت پیگرد پلیس قرار گیرد و بالاخره در چهارده فوریه ۱۹۴۳ بوسیله پلیس فرانسه دستگیر و به گشتاپو تحویل داده شد. در آخر اوت همان سال به کمپ Auschwitz فرستاده شد و در حالیکه در آنجا به عنوان پرستار مشغول بود، بالاخره در نه ماه می ۱۹۴۳ از بیماری تیفوس درگذشت. یادش گرامی باد!

رسول

خارج از کشور بیشتر به چشم می‌خورد. او می‌گوید: «زنان داخل ایران خودیابی را در دایره و ارتباط خانواده و فامیل مطرح می‌کنند اما در آثار نویسندگان زن در خارج این خودیابی یکسر متکی به فرد و جست و جوی او است. به عبارت دیگر پیوندهای فامیلی نقش کم‌رنگ‌تری دارند و بیشتر کشاکش پنهان بین فرد با خود و جامعه است».

آثار نویسندگان زن که به زبان‌های مختلف ترجمه و یا به زبان کشور میزبان نوشته شده به دلیل اطلاعاتی که از وضعیت زنان در ایران به عنوان جامعه اسلامی در اختیار خواننده قرار می‌دهد برای غربی‌ها نیز مورد توجه است. در فرانسه کارهای مرجان ساتراپی، سرور کسمائی، امینه پاکروان، نهال تجدد و شاهدخت جوان و... که به زبان فرانسه ارائه شده‌اند قابل ذکرند. البته در اینجا مجال ذکر اسامی تک تک این نویسندگان نیست. برای آشنائی با آنان و آثارشان می‌توانید به سایت www.perslit.com مراجعه کنید.

رسول

XXXXXXXXXX

معرفی شخصیت‌ها:

دانیل کازانو (CASANOVA)

مبارز و فعال سیاسی (۱۹۴۳-۱۹۰۹)

اسمی که امروزه بر پلاک خبابان‌ها و یا سردر مدارس در شهرهای مختلف و همچنین بر بدنه کشتی مسافربری که بین مarse و کرس در رفت و آمد است حک شده، حکایت از دختر مبارزی دارد که در جنگ جهانی دوم عضو فعال از گروه مقاومت در برابر آلمان نازی بود و بالاخره طعمه گشتاپو (سازمان پلیس مخفی آلمان نازی) شد.

دانیل کازانو دختر یک آموزگار که اسم واقعی‌اش Vincentella Périni است، اهل جزیره کرس بود که بعد از اتمام تحصیلات ابتدائی در آژاکسیو (Ajaccio) به پاریس آمد و دردانشکده دندانپزشکی اسم نوشت، سپس در سال ۱۹۲۸ به عضویت حزب جوانان کمونیست در آمد. در همین دوره است که او با انجمن فدرال دانشجویان که سازمانی با تمایل چپ بود آشنا گردید و به فعالیت پرداخت و در اندک مدت یکی از مسئولین و گردانندگان این تشکیلات شد و در حین این ارتباطات و فعالیت‌ها بود که با لوران کازانو یعنی

اطلاعیه

انجمن تاکسیران فرا رسیدن بهار خجسته و سال نو شمسی (۱۳۹۳) را جشن می‌گیرد و برای اعضاء و همکاران گرامی و خانواده عزیز آنها، سالی خوب همراه با موفقیت آرزو می‌کند.

به همین مناسبت جشن باشکوهی روز شنبه ۲۲ ماه مارس سال ۲۰۱۴ از ساعت ۲۰ الی ۳ بامداد برگزار می‌کند.

مکان:

223, rue La Fontaine

94120 Fontenay-Sous-Bois

زمان:

Samedi 22 mars 2014

اعضای محترم انجمن توجه داشته باشند که فقط تا تاریخ ۱۵ ماه مارس فرصت تهیه بلیط جشن نوروز را دارند و از این تاریخ به بعد، هیئت مدیره هیچگونه مسئولیتی عهده‌دار نخواهد بود.

هیئت مدیره انجمن